

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمهٔ خانم دکتر فاطمه‌هما سادات‌افسری
۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمهٔ مؤلف
۱۷	دیرند
۲۱	نقطهٔ تمديد
۲۴	دو نقطهٔ تمديد
۲۷	خط اِتحاد
۲۹	خط اِتصال
۳۱	صدای مَقَطَّع
۳۱	صدای بیش مَقَطَّع
۳۲	صدای نیمه مَقَطَّع
۳۲	نقطهٔ توقف
۳۳	هفت اصطلاح پر کاربرد
۳۳	ریتم
۳۴	وزن
۳۵	ضرب
۳۸	متر

۴۱		میزان
۴۱		انواع میزان
۴۵		میزان نما
۴۸		میزان ساده
۵۲		متداول‌ترین میزان‌های ساده
۶۰		پرسش و پاسخ (۱)
۶۱		میزان ترکیبی
۶۸		متداول‌ترین میزان‌های ترکیبی
۷۳		پیدایش میزان ترکیبی
۷۶		پرسش و پاسخ (۲)
۸۰		رابطهٔ میزان ساده و ترکیبی
۸۲		قوت و ضعف ضرب‌ها در میزان
۸۴		ضرب بالا
۸۶		سَنگُپ
۸۹		ضد ضرب
۹۰		میزان مختلط یا لَنگ
۹۸		تقسیمات غیرطبیعی دیرند
۹۹		تریله (سه بر دو)
۱۰۰		سیکستله (شش بر چهار)
۱۰۳		دوئله (دو بر سه)
۱۰۵		کوارتله (چهار بر شش)
۱۰۶		کوارتله (چهار بر سه)
۱۰۸		پرسش و پاسخ (۳)
۱۱۰		تَندا (تَمپو)
۱۱۳		پرسش و پاسخ (۴)
۱۱۴		مِترنُم
۱۱۹		خودآزمایی

مقدمه مؤلف

موسیقی، علم و فن بیان عواطف بشر از طریق اصوات است. علم است زیرا پایه و اساس آن ریاضیات است. فن است چرا که نیازمند مهارت است.

صوت یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده موسیقی است تا آنجا که اجرا و خلق یک اثر موسیقی متعالی بدون شناخت صوت غیرقابل تصور به نظر می‌رسد.

صوت از ارتعاش اجسام حاصل و در محیط مادی منتشر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های صوت عبارتند از: زیرایی (زیر و بمی)، شدت (قوت و ضعف صدا)، رنگ (کیفیتی از صوت که تعیین‌کننده منبع صوت است).

موسیقی، فن ترکیب و آمیختن اصوات در بستر زمان است. به عبارت دیگر موسیقی در لحظه زاده شده و با گذر زمان رشد و گسترش می‌یابد. بدیهی است که شنیدن یک قطعه موسیقی نیازمند صرف وقتی برابر با مدت زمان آن قطعه می‌باشد. برخلاف یک

تصویر نقاشی شده که در یک لحظه دیده می‌شود. چرا که نقاشی در بستر بوم و کاغذ زاده شده و گسترش می‌یابد.

بنابراین محاسبه و تعیین لحظهٔ به صدا درآمدن نت‌ها و ارزش زمانی آنها بسیار حائز اهمیت است. این محاسبه و اندازه‌گیری، یکی از عواملی است که موسیقی را زیرمجموعهٔ ریاضیات قرار می‌دهد. به‌منظور بررسی عامل زمان در موسیقی ناگزیریم که از ریاضیات کمک بگیریم. البته جای نگرانی نیست. چرا که بدین منظور، دانستن چهار عمل اصلی ریاضی کفایت می‌کند.

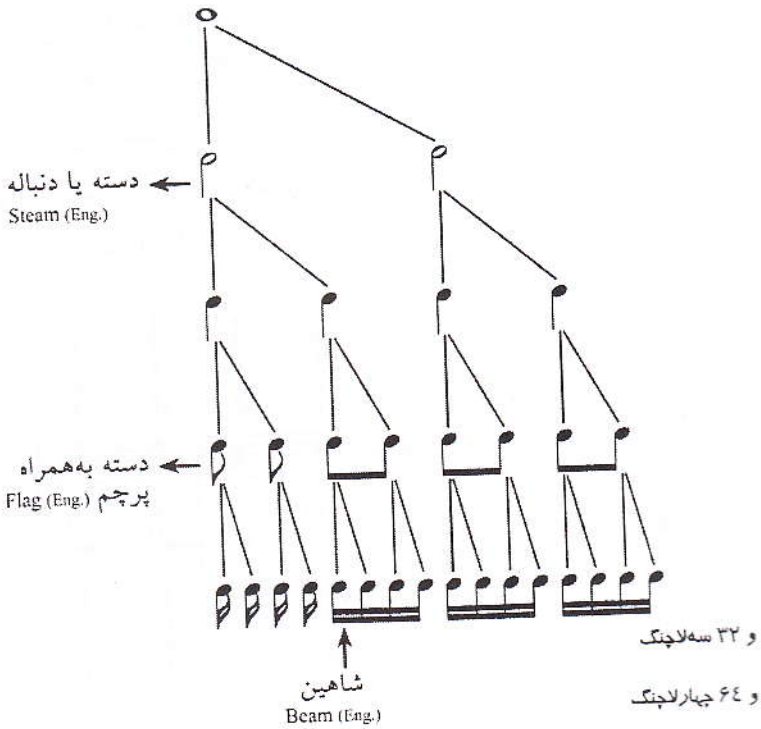
اصطلاحاتی همچون ریتم، وزن، ضرب، متر، میزان، میزان‌نما، تندا و قواعد مربوط به آنها همگی وابسته به زمان و نحوهٔ تقسیم آن می‌باشند، که در اکثر مواقع مورد توجه سطحی هنرجویان عرصهٔ موسیقی قرار گرفته است تا آنجا که گاه از ارائهٔ تعریفی نه چندان مناسب نیز برای این اصطلاحات باز می‌مانند.

به‌منظور درک کامل و بی‌عیب و نقص اصطلاحات مذکور، لازم است برخی دیگر از اصطلاحات و قواعد پرکاربرد در موسیقی تشریح شود.

که به سمت راست حرکت کنید ارزش زمانی اشکال نت یا سکوت، نصف ($\frac{1}{2}$) برابر می‌شود.

امروزه گرد در موسیقی دارای بزرگترین ارزش زمانی می‌باشد. همین امر سبب می‌شود تا گرد به‌عنوان واحد زمان در موسیقی معرفی شود و ارزش زمانی سایر اشکال نت و سکوت نسبت به آن سنجیده و بیان شود.

نسبت زمانی اشکال مختلف نت به گرد در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲

رسالهٔ ریتم در موسیقی ۳۵ ✧

کرشمه رضوی

na - dā - na - mat be ha - qī - qat ke dar ja - hān be ĉe mā - nī ja - hā -
no har ĉe da - ru has - to su - ra - tan - do to jā - nī

تکرار یک الگوی ریتمیک مشخص یکی از عوامل ایجاد نظم و وحدت در قطعهٔ موسیقی غیر متریک می‌باشد.

ضرب^۱

واحد زمان در یک قطعهٔ موسیقیِ متریک^۲ را ضرب می‌گویند. به عبارت دیگر زمان در یک قطعهٔ موسیقیِ متریک به قسمت‌های مساوی و البته تکرارشونده تقسیم شود که به هر قسمت یک ضرب (واحد ضرب) گفته می‌شود. بنابراین منظور از ضرب اول، اولین واحد زمانی و منظور از ضرب دوم، دومین واحد زمانی و... می‌باشد. ضرب‌ها بر دو قسم‌اند:

الف) ضربی که در یک قطعه به‌طور طبیعی قابل تقسیم به دو قسمت مساوی (یا قابل تقسیم به ۲؛ ۴؛ ۸؛ ۱۶ و... قسمت مساوی) است. مانند گرد، سفید، سیاه، چنگ.

تقسیمات این نوع از واحد ضرب از فرمول ریاضی 2^n و n متعلق به اعداد حسابی تبعیت می‌کند. (رجوع کنید به شکل ۲، صفحه ۱۸)

1- Beat (Eng.)

2- Metric (Eng.)

